

عضو کمیسیون حمل‌ونقل شورای شهر تهران از تصویب اختصاص دوهزار سهمیه کارت بلیت ۳۰۰هزار تومانی به سربازان در این کمیسیون در فاز اول خبر داد. آن‌طور که افشین حبیب زاده به ایسنا گفته در جلسه‌ی کمیسیون حمل‌ونقل شورا به این جمع‌بندی رسیده که می‌تواند با کمک ستاد کل نیروهای مسلح کارت بلیت تخفیف‌دار به سربازان بدهد. این موضوع در کمیسیون حمل‌ونقل شورای شهر مورد تأیید قرار گرفت و باید در صحن شورا نیز تصویب شود. او با بیان اینکه براین اساس نیروهای مسلح، سربازان را به شهرداری معرفی می‌کنند، گفت: «کارت بلیت‌های سربازان ۳۰۰هزار تومان شارژی می‌شود، اما از این میان ۲۰ درصد مبلغ ستاد کل و ۸۰ درصد را نیز شهرداری تهران پرداخت می‌کند.»



یکسبب نسیم اعتمادی / شهروند

اجرای قانون جدید اعطای تابعیت به فرزندان پدر خارجی سرنوشت حداقل ۷۰۰ زن کُرد و فرزندان‌شان را تغییر داد

روزگار نوبرای همسران ایرانی مردان خارجی

با مردان عراقی است. کردستان تنها استان غربی ایران نیست که چنین ازدواج‌هایی در آن صورت گرفته است؛ سال گذشته، فرانک موسوی، سرپرست اداره کل امور زنان و خانواده استانداری خوزستان گفت که در مجموع ۸۰۰مورد ازدواج زنان خوزستانی با اتباع خارجی در خوزستان انجام شده است که ۷۵۰ ازدواج از این تعداد، ازدواج‌های رسمی بوده‌اند. به گفته او، اهواز، اندیمشک و شوش دانیال بیشترین تعداد ازدواج زنان با اتباع خارجی، به‌ویژه عراقی‌ها را دارند. چندسال بعد و در سال ۹۲، «اردشیر عزیزی»، مدیرکل امور اتباع و مهاجران خارجی استانداری کرمانشاه

اعلام کرد از سال ۱۳۶۷،

۲۶۹مورد ازدواج زنان ایرانی

و کرمانشاهی با مردان عمدتاً عراقی صورت گرفته که برای آنها پروانه ازدواج صادر شده است. او این را هم گفت که در همین مسدت مردان ایرانی و کرمانشاهی با ۳۱۳ زن عراقی ازدواج کرده‌اند و برایشان مجوز ازدواج صادر شده است.

سختی زندگی، سحر را به جایی رساند که یک روز روزهای آوارگی، آخرین روزی که ماجدا و رابعداز کتک فراوان از خانه بیرون کرد، دست دو پسر و یک دخترش را گرفت و به کنسولگری ایران در کردستان عراق رفت و از آنها خواست برای برگشت به ایران کمکش کنند. مسئولان ایرانی در نهایت برای آنها وکیل گرفتند، سحر و بچه‌هایش را با «هائشین آسایش» به مرز بردند، از مرز ردشان کردند. سحر حالا پنج‌ماه است که به سندانج برگشته، به خانه پدرش، جایی که چندان پذیرای او و سه فرزندش نیست و همین، بار سنگین و جدیدی است بر شانه‌هایش. در همه این پنج

ماه اما ماجدا، سحر را رها نکرده است. او بارها به سندانج آمده و خانواده‌سحر را تهدید کرده است. «هی آید حرف‌های زشت می‌زند و تهدید می‌کند. به قوم و خویشم حرف‌هایی می‌زند که رویم نمی‌شود اصلاً آنها را بگویم البته خانواده‌ام من را می‌شناسند و به من فشاری نمی‌آورند. او تعادل روانی ندارد، حرف‌هایش از روی فکر نیست. من فقط به خاطر بچه‌هایم ۱۲سال با او در آن شرایط ماندم.»فرزند دوم و سوم سحر در ایران به دنیا آمدند. بارداری اولش سخت بود و او برای به دنیا آوردن فرزندان بعدی‌اش به سندانج آمد؛ این اما باعث نشد بچه‌ها شناسنامه‌ای داشته باشند، ایرانی و «جنسیه»ای عراقی. «تا به دنیا آمدند، شوهرم طاقت نداشت، مدام می‌گفت بر گرد. هر دو بار هم بچه‌ها را قاچاقی بر دم سلیمانیه. آنجا هم برای گرفتن جنسیه هیچ کاری برایشان نکرد.»همین‌ها هم حالا سبب شده تا فرزندان سحر، جایی برای درس خواندن نداشته باشند و همین او را شرمسار بقیه کرده است و هر اسان از ابتدای که نمی‌داند چه خواهد شد. «از آینده خودم و بچه‌هایم خیلی می‌ترسم. می‌ترسم بیاید و بچه‌ها را ببرد. بچه‌هایم خیلی از او می‌ترسند. می‌ترسم بچه‌هایم مثل او شوند. برای آینده‌شان

سربازان در انتظار کارت بلیت ۳۰۰ هزار تومانی

در روزهای پس از بروز یک حادثه، کودکان به حمایت و مراقبت بیشتری نیاز دارند. ممکن است خیلی بترسند و فشار زیادی به آنها وارد شده باشد.

از نظر فرهنگی سطح پایینی دارند یا آن قدر دچار فقر و بدبختی در خانواده هستند که بعد از طلاق، سریع از دواج می‌کنند تا اسم شوهر رویشان باشد.» او می‌گوید: «این زنان جزئیات کتک‌هایی که در خانه شوهرشان خورده‌اند را برای ما تعریف می‌کنند، الان مدتی است که به آنها اصرار می‌کنیم که اگر ازدواج اول‌شان است، حتماً یک ملک را به عنوان مهریه تعیین کنند، الان هر زنی که به عقد مرد عراقی در می‌آید، برایش مهریه شرعی در نظر می‌گیرند، یعنی ۱۹ و نیم مثقال طلا که حدود ۴۰ میلیون تومان می‌شود. اما حالا به آنها می‌گوییم که حداقل نصف یک آپارتمان در ایران را به نام‌زنان‌شان کنند، این قانون را خودمان گذاشته‌ایم. سحر از تصویب قانونی جدید برای سر و سامان دادن به وضع فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی خبر دارد. این را در رفت‌وآمدهای مکررش به اداره اتباع استانداری کردستان فهمیده؛ به او گفته‌اند شورای نگهبان، قانونی را که سال‌ها منتظرش بوده‌اند، تصویب و دولت هم آن را ابلاغ کرده است. همین هم شده امید تازه‌ای برای او و دیگر زانی که روی صندلی‌های پلاستیکی اداره اتباع، آنها را دیده که گوشه چادرهایشان را به دندان می‌گزند و امیدوارند روزی برسد که بچه‌هایشان بتوانند مثل بقیه بچه‌های ایرانی درس بخوانند، بیمه داشته باشند و حمایت اجتماعی.»خواهش‌م این است که قبل از اینکه زن‌های ایرانی بروند کشور دیگر، حتماً ازدواج‌شان را ثبت کنند. ما هیچی از خودمان نداریم. واقعاً من و این زن‌ها الان باید چه کار کنیم؟ کاش مسئولان از ما حمایت کنند. ما ازدواج‌مان را در ایران رسمی نکردیم. در عراق ثبتش کردیم. به دلیل همین هم می‌گویم کاش هر کس ازدواج را در کشورش ثبت کند و بعد برود. مشکلات من به دلیل همین ثبت نشدن، خیلی زیاد است. پسر بزرگم هنوز نمی‌تواند به مدرسه برود. رفته اداره اتباع، یک برگه دادند گفتند ببر آموزش و پرورش، شاید ثبت‌نام کردند. هنوز مشخص نیست چه بشود. آنها هیچ مدرک ایرانی ندارند. اداره اتباع گفته در صورتی که یا طلاق نامه یا سند ازدواج رسمی‌تان را داشته باشیم، شاید بتوانیم برای دادن کارت اقامت به بچه‌ها کاری کنیم، ولی من هیچی ندارم که به اداره بدهم.» معصومه»، دختری ۱۳ساله و اهل قروه است که داستان زندگی‌اش را حالا کرده‌ای آن منطقه خوب می‌دانند. یک ماه پیش می‌خواستند او با مرد عراقی ۵۲ساله‌ای ازدواج کند، در ازای گرفتن ۳۰۰ هزار تومان پول. سحر هم قصه معصومه را از زبان در حیط اداره اتباع شنیده است. او می‌داند مسلم کاظمی، مدیرکل اداره اتباع استانداری کردستان، با خشمی در دل، جلوی این ازدواج را گرفته است: «من مخالفت کردم ولی، اینها قطعاً پنهانی کار خودشان را می‌کنند. دو سال بعد با مشکلاتی روبه‌رو می‌شوند و حالا خانم می‌آید پیش ما و می‌گوید نفهمیدم چه شد. اداره ما باید مجوز ازدواج بدهد، اگر ما پروانه ندهیم، هیچ روحانی‌ای حق ندارد خطبه شرعی آنها را بخواند، اگي بخواند، تا عمه‌ها باز داشت دارد. این دختر را آورده بودند که برای ازدواج‌شان مجوز بگیرند. پدر عراقی را هم دو روز بازداشت کردم و بعد از آذاشش کردم رفت. مرد دختر راضی شد و ازدواج را به هم زد. طفلک آن قدر بچه بود، هنوز وسایلش را من می‌زم من هست؛ با خودش اسباب بازی آورده بود. چقدر تأسف‌آور بود.»

عاطفه یکی دیگر از زن‌هایی است که سحر در رفت‌وآمدهایش به اداره اتباع او را دیده؛ زنی ۶۰ساله که ۴۰سال پیش با مردی عراقی ازدواج کرد، سال‌ها با او در ایران زندگی کرد و چندسال بعد، وقتی با هم برای زندگی در کرکوک به عراق رفته بودند، عاطفه را رها و با‌زن دیگری ازدواج کرد. عاطفه و همسرش آن زمان ازدواج‌شان را ثبت نکردند و حالا او با گواهی فوت شوهرش می‌آید و می‌رود تا بتواند برای فرزندانش که حالا جوان شده‌اند، مدارک هویتی بگیرد. او به شوقی با کلماتی فارسی از پشت خط تلفن، منظورش را می‌فهماند: «نه خودم بیمه دارم نه بچه‌هایم. شوهرم وضعیت خوب بود، اما ما را رها کرد و دیگر نتوانستیم بنامیم و برگشتیم. بعد هم او مرد و ما ماندیم و هیچی. حتی از ارثش، چیزی به بچه‌های من نمی‌رسد. هیچ حق و حقوقی نداریم.»

قانون در این باره حکایت خود دارد؛ از قانون مدنی مصوب سال ۱۳۰۷ تا قوانین جسته و گریخته‌ای که در سال‌های بعد با موضوع دادن تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی تصویب شدند و بعضی‌شان اجرا نشدند. برای همین هم بود که در سال ۸۵، مجلس ایران بالاخره ماده واحده‌ای را تصویب کرد، بر اساس آن فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که در ایران متولد شده یا حداکثر تا یک‌سال پس از تصویب این قانون در ایران متولد می‌شوند، می‌توانستند بعد از رسیدن به ۱۸سال تمام تقاضای تابعیت ایرانی و در صورت نداشتن سوء پیشینه کیفری یا امنیتی و اعلام رد تابعیت غیر ایرانی به تابعیت ایران پذیرفته شوند. به این ترتیب، تا هجده سالگی، این فرزندان بدون هویت باقی می‌ماندند. سه‌سال بعد، مجلس بر این ماده واحده اصلاحیه‌ای زد، اما شورای نگهبان به دلیل بار مالی آن را تأیید نکرد و طرح به نتیجه نرسید. سال ۹۵ و با تشکیل مجلس جدید، وقتش بود که بعضی نماینده‌های مجلس، طرحی را با عنوان اصلاح موادی از قانون مدنی آماده کنند. این طرح در نهایت در مجلس تصویب و با چندبار ایراد‌های اساسی، در شورای نگهبان تأیید شد.

حالا یک ماه است که دولت قانون اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی را به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ کرده و سحر و معصومه و عاطفه، زنان کردی که با بچه‌هایشان به ایران برگشته‌اند، چشم امیدشان برای طی شدن زودتر مراحل تابعیت است و بر آورده شدن آرزوی بلند و دورشان: «بچه‌هایمان به مدرسه بروند. بچه‌هایمان بیمه داشته باشند. بچه‌هایمان کار داشته باشند.»

خیلی ناراحت‌ها اینکه درس‌شان چه می‌شود. آنها به آداب ایرانی‌ها وارد نیستند و چندان نمی‌توانند با بقیه کنار بیایند. پدر ما ز نشسته آموزش و پرورش است. خرج‌مان را او می‌دهد. کاش کاری پیدا شود که در آمدی داشته باشیم، به خاطر بچه‌هایم دوست دارم کار کنم.» سحر با صادایی که جوان است و لوزان و پیرازندوه، می‌گوید این روزها بسیار تمکین است. می‌گوید شرایط زندگی در عراق در ۱۲ساله که گذشت، او را به هم ریخته و دیگر نمی‌تواند به کسی اعتماد کند. همین چند روز پیش دو کتک به او گفته ناراحتی معده و رو‌دش را به دلیل به هم ریختگی اعصابش است و قرص‌های زیادی بر او داده. «دکترها می‌گویند مشخص است که شرایط سختی داشته‌ای.»

سال ۸۲ بود که وزارت

کشور اعلام کرد پس از سقوط حکومت صدام

حسین در عراق، بیش از

۲۶هزار و ۷۰۰ زن ایرانی با

مردان عراقی ازدواج شرعی

اما غیر قانونی داشته‌اند و

بیشتر آنها با مشکل بدون

شناسنامه ماندن فرزندان

خود روبه‌رو شدند. آن زمان،

«حمیدرضا موحسنزاده»،

مدیرکل وقت دفتر اتباع و

مهاجران استان خراسان

رضوی گفت که پس از

آخرین طرح شناسایی اتباع

عراقی در سال‌های ۷۹ و ۸۰

که در آن ۱۱هزار و ۳۲۰ نفر

شرکت کردند، ۷هزار و ۲۰۰ نفر مهاجر عراقی در سال

۸۲ شناسایی شدند که به گفته او دوهزار و ۸۷۳ نفر از

آنها با زنان ایرانی ازدواج کرده بودند. آن‌طور که آن زمان

موحدزاده اعلام کرد، مشکلات زنان ایرانی از زمانی آغاز

می‌شود که مردان عراقی به کشورشان باز می‌گردند.

خوشونت علیه‌زنان قربانی

مسلم کاظمی، مدیرکل امور اتباع خارجی استانداری کردستان هم مشکلات این زنان را خوب می‌شناسد. او می‌گوید در این سال‌ها زنان زیادی را دیده که بی همسر از عراق برگشته‌اند، بی هیچ حمایتی: «منطقه ما سنتی است، یک زن دو بچه دارد و شوهر ندارد. این زنان از نظر روانی تحت فشارهای زیادی‌اند. آنها نگران و در به درند. وقتی بچه‌هایشان مریض شوند، نمی‌توانند آنها را دکتر ببرند. بچه‌های آنها بیمه ندارند.» او حرف‌های دیگری هم می‌زند: «این زنان وقتی با همسران‌شان در آن کشور به مشکل می‌خورند، مرد آنها را از خانه بیرون می‌اندازد. این زنان پشتوانه‌ای ندارند. حتی باسپورت هم نمی‌توانند بگیرند. من چند وقت پیش اینها را در تلویزیون کردستان البته به صورت سرسسته گفتم. مثلاً دختری روستایی ساکن اطراف مریان بود که در تمام عمرش دو بار هم شهر مریان را ندیده بود، با مردی عراقی ازدواج کرده و به سلیمانیه رفت و حالا برگشته و به‌من می‌گوید که آنها از لحاظ فرهنگی خیلی با ما فرق دارند.»

او توضیح‌های دیگری هم می‌دهد: «تعدادی از این زنان آن قدر

ایران‌شهر

شهروند

پنجشنبه ۳۰ آبان ۱۳۹۸ | سال هفتم | شماره ۱۸۴۱
www.shahrvandonline.ir

۱۵

خبر

خسارت ۴۰ تا ۵۰ میلیارد تومانی به شبکه اورژانس کشور

کابینتو جهانی‌سور، رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت، آمار خسارت‌های وارده به اورژانس و مراکز فوریت‌های پزشکی در حوادث روزهای گذشته در برخی نقاط کشور را اعلام کرد. به گفته او، علاوه بر اختلال در عبور و مرور در برخی مناطق و موارد متعدد، اختلال در فرآیند خدمت‌رسانی و امدادرسانی به بیماران و مصدومان و امدادجویان از سوی آسویگران و اخلاکران، حداقل ۱۲۴ دستگاه آمبولانس و خودروی پشتیبانی و عملیاتی آسیب کلی و جدی دیده‌اند؛ به نحوی که تعداد زیادی از آنها به کلی از چرخه عملیات خارج شده‌اند. او همچنین، به آسیب‌به تجهیزات پزشکی و غارت این لوازم و تجهیزات در جریان حوادث سه روز گذشته اشاره کرد و افزود: «متأسفانه ده‌ها دستگاه AED، ونتیلاتور و دستگاه تله‌مدیسیسن و تجهیزات پزشکی پورتابل آسیب دیدند و بیش از ۴۰ پایگاه اورژانس ۱۱۵ نیز غارت و تخریب شده است و برآوردهای اولیه، از خسارت ۴۰ تا ۵۰میلیارد تومانی به شبکه اورژانس و فوریت‌های پزشکی حکایت‌دارد.»

«مجهول الهویه‌ها»

خدمات بهداشتی رایگان می‌گیرند

آن‌طور که افسانه مشستری، رئیس دبیرخانه بیمه درمان مددجویان سازمان بهزیستی کشور خبر داده تمام افراد مجهول‌الهویه که در مراکز بهزیستی نگهداری می‌شوند، می‌توانند تا صدور شناسنامه و اوراق شناسایی سه‌ماه‌از خدمات رایگان بیمارستان‌ها و مراکز بهداشت و درمانی استفاده کنند. به گزارش ایسنا، چنانچه بهزیستی نتواند در این مدت مدارک شناسایی مجهول‌الهوی را آماده کند باید هزینه سه‌ماه اول رانیز پرداخت کند. به گفته رئیس دبیر خانه بیمه و درمان مددجویان سازمان بهزیستی، مددجویان زیر ۱۸سالی که دارای بیماری قلبی یا از توپدی هستند از طریق واحد مددکاری مربوطه و با معرفی رسمی سازمان بهزیستی به موسسه خیریه زنجیره امید در تهران به صورت رایگان درمان می‌شوند که از مبلغ پرداختی ۵درصد هزینه‌ها را بهزیستی پرداخت کرده و ۹۵درصد هزینه‌های درمانی را نیز موسسه پرداخت می‌کند و این در حالی است که تاکنون ۱۶هزار و ۵۰۰دخترچه سایر اقشار جهت مددجویان بهزیستی صادر شده و بیشترین حق بیمه پایه را بهزیستی به‌بخش توانبخشی اختصاص داده است.

۱۱ هزار بیمار ضایعه نخاعی مبتلا به زخم بستر

وحید قیادی‌دانه، رئیس سازمان بهزیستی کشور در چهارمین کنگره بین‌المللی و ششمین کنگره ملی زخم و ترمیم بافت گفت: «زخم از مشکلات جدی مردم ما و مردم جهان است. برخی از این زخم‌ها به صورت زنتیکی در افراد ایجاد می‌شوند مانند آنچه در بیماری دیابت دیده می‌شود. زخم‌های دیگر بر اثر مشکلات بیماری و وابستگی به تخت به دنبال خلأهای جامعه‌می‌گردد و سعی دارد به وسیله ایجاد دانش و پژوهش این خلأها را پر کند. باید بگویم موضوع زخم و ترمیم بافت ازجمله این موضوعات مهم است.» به گفته او بهزیستی ۲۶هزار بیمار دارای ضایعه نخاعی و وابسته به تخت را حمایت می‌کند که از این تعداد ۱۱ نفر با زخم بستر درگیر هستند. به عبارت دیگر ۴۲درصد از آماري که گفته شد همچنین ۵۲درصد از تمام افراد وابسته به تخت که تحت حمایت‌بهزیستی هستند با مشکل زخم‌درگیرند. بنابراین نیاز به یک همکاری بین‌بخشی بین بهزیستی، مراکز تحقیقاتی و نظام‌درمانی و وزارت بهداشت تا این مشکل مرتفع شود.

برج آزادی بازسازی می‌شود

برج آزادی که یکی از بناهای هویتی پایتخت است، مدت‌های بسیاری است که نیاز به بازسازی دارد و همین هم عاملی شده که روز گذشته محسن هاشمی، رئیس شورای اسلامی شهر تهران و در جریان بازدید از این برج از تلاش‌ها برای مرمت و بازسازی آن بگوید. همچنین شهروانو آمانی، عضو کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای اسلامی شهر تهران هم برج آزادی را مجموعه‌ای فرهنگی دانست و گفت: «از گذشته تاکنون یکی از مقاصد گردشگری مردم تهران برج آزادی با سازه‌های فاخر است؛ از این رو با ایمن‌سازی و آرام‌سازی اطراف میدان آزادی می‌توان جایگاه آن را در تهران، ایران و جهان به‌عنوان نماد هویتی کشور حفظ کرد.»